



مراسم تنفیذ سیزدهمین دوره ریاست جمهوری فردا برگزار می‌شود

مراسم تنفیذ سیزدهمین دوره ریاست جمهوری اسلامی ایران سه‌شنبه ۱۲مرداد۱۴۰۰ با حضور رهبر انقلاب اسلامی و جمعی از مسؤولان و کارگزاران نظام در حسینیه امام خمینی(ره) برگزار و منتخب ملت ایران توسط ولی‌فقیه به سمت ریاست‌جمهوری منصوب می‌شود. این مراسم با رعایت دستورالعمل‌ها و شیوه‌نامه‌های بهداشتی

برگزار و از ساعت ۱۰ و ۳۰ دقیقه به‌صورت زنده و مستقیم از شبکه‌های صداوسیما، سایت و صفحات KHAMENEI.IR در شبکه‌های اجتماعی به‌صورت زنده پخش می‌شود. در این برنامه وزیر کشور گزارشی از روند برگزاری انتخابات ۱۴۰۰ ارائه می‌کند و پس از قرائت متن حکم تنفیذ رئیس‌جمهور منتخب و ایراد سخن توسط



غرفه‌ها و ت حقایق ریاست جمهوری در سی‌دومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران

جام جم بررسی می‌کند

نگاهی به ابعاد پیدا و پنهان پروژه تاریخ‌نگاری شفاهی دولت روحانی



امین صبحی

دبیر سیاسی

«در جنگ رسانه‌ای تو هم روایت خود را بساز»؛ این اصل آن‌قدر مهم است که رئیس دولت‌های یازدهم و دوازدهم بزرگ‌ترین پروژه تاریخ‌نگاری شفاهی را راه‌اندازی کرد و خود و یارانش در تکاپو هستند تا در این وقت اضافه هر طور شده یک تصویرسازی مثبت از عملکرد دولت یازدهم و دوازدهم بر جا

بگذارند. محوریت اصلی این اقدام رسانه‌ای - تاریخی هم حسام‌الدین آشنا با محوریت تدوین تاریخ شفاهی دولت؛ حسن روحانی با دو کتاب سیاست خارجی و محیط‌زیست، محمدجواد ظریف با انتشار کتاب مذاکرات و فراروایت خود از برجام و محور چهارم هم مستندسازی و تکذیب اخبار مربوط به کژکارکردهای دولت توسط وزارتخانه‌هاست.

از این رو کار تیم روحانی هنوز تمام نشده و تدوین نقشه راه به صورت مستند و مکتوب یک مرحله حیاتی است. این تکنیک از همان سال ۹۲ در دولت روحانی اصالت داشت، صحبت رئیس‌جمهور و وزیر خارجه از خزانه خالی و این ادعا که آمریکا می‌تواند با یک بمب تمام سیستم دفاعی ما را از کار ببنداد اگر نگوییم گرا، فکت‌های بسیار مهمی برای غرب بود که بتواند ذهن مسؤول ایرانی و داشته‌های یک کشور را بسنجد و بر اساس آن در روی دیگر جنگ یعنی دیپلماسی عملیات کند.

آسیب‌ها و مخاطرات تاریخ‌نگاری معیوب

باید بررسی کنیم دولتمردان روحانی از این اظهارنظرها قرار است چه استفاده‌هایی‌کنند و دامنه آسیب‌ها و مخاطرات این کار تا کجاست و چه کارکردی در امر تاریخ‌نویسی دارد. بدیهی است دولت قطعا این کار را انجام می‌دهد تا بتواند در پایان هشت سال و چجه خوبی از خود باقی بگذارد کم‌این‌که رسانه‌های پر تعداد حامی روحانی و دولت او هم پای‌کار آمده‌اند و در این حوزه به آنها کمک می‌کنند.

البته اگر از زوایای مختلف به مسأله مذاکرات نگاه شود و در کنار روایت رسمی دولت، روایت رسانه‌های مستقل نیز ثبت وضبط شود، دیگر نباید نگران جعل تاریخ باشیم چراکه در آن صورت روایت دولت تنها یکی از منابع خواهد بود و اتفاقا این موضوع به جامعیت بخشی هم کمک می‌کند اما نکته و نگرانی اصلی آنجاست اگر در ارتباط با کار پژوهشی پیرامون ادعاهای دولت کم‌کاری صورت گیرد، قطعا تاریخ توسط منابع رسمی دولت ازجمله رئیس‌جمهور تحت تأثیر جدی قرار می‌گیرد. از این رو نبود روایت‌های منتقدانه و موازی قطعا برای تاریخ کشور مشکل ساز خواهد شد و آفت تحریف، تاریخ انقلاب را تهدید می‌کند.

عباس سلیمی‌نمین،مدیردفتر مطالعات و تدوین تاریخ ایران درباره آسیب‌ها و مخاطرات این اظهارنظرها و تأثیر آن بر افکار عمومی معتقد است: از شخصیتی مانند آقای روحانی نمی‌توان بیش از این

انتظار داشت چراکه او نشان داده در ارتباط با حقایق قطعی، مقاومت می‌کند و حاضر به پذیرش آن نیست. البته درست است که درحال حاضر نباید نسبت به این مواضع متناقض نگران بود چراکه جامعه از نزدیک اعمال و رفتار دولت روحانی را نظارت و درباره آن قضاوت می‌کند اما نگرانی ما درباره چند سال دیگر است که غبار فراموشی ذهن‌ها را فرامی‌گیرد و در آن زمان ممکن است روحانی حرف‌هایی بزند که یک درصدی مخاطب داشته باشد. به همین دلیل کار رسانه‌ها در اینجا بسیار ضروری و مهم است؛ البته دولت آقای رئیسی نباید خود را در این پروسه درگیر کند چراکه پرداختن به دولت روحانی یک آفت برای دولت سیزدهم خواهد بود اما مطبوعات و محافل سیاسی باید مستقلا به این موضوع بپردازند.

پروژه تاریخ‌نگاری بامرد اول جنگ روانی دولت

آغاز این مسیر با پروژه مکتوب کردن تاریخ شفاهی دولت توسط حسام‌الدین آشنا در باغ کتاب تهران کلید خورد، همان پروژه‌ای که مصاحبه جنجالی ظریف با سعید لیلاز از مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری به بیرون درز کرد و جنجال کم‌سابقه‌ای در کشور به راه انداخت ومنجر به استعفاي آشنا شد.اواخر اسفند سال گذشته بود که خورآمد حسام‌الدین آشنا، مشاور فرهنگی روحانی ورئیس مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری در این مرکز، پروژه گفت‌وگوهای تاریخ شفاهی درباره دودوره روحانی را اجرا کرده و در قالب این پروژه با اعضای هیأت دولت، معاونان و وزرا گفت‌وگوهای تفصیلی انجام شد. این اقدام برای تاریخ‌نگاری یا به بیان دقیق‌تر تاریخ سازی با وجود خلأهای محسوس کارنامه‌ای و کم کاری دولت روحانی، قاعدتا نیاز به زیرساخت و فکت‌های تاریخی زیادی دارد تا آن‌طور که رئیس‌جمهور می‌خواهد کار درآید. تیم دولت هم برای این منظور به دنبال اظهارنظریایی بود که جای همه واقعیت نباشند و به جای انعکاس رویدادها به بازنمایی آنها بپردازد تا تاریخ مذاکرات و تعامل با غرب را آن‌طور که دولتی‌ها صلاح می‌دانند، روایت کنند. هرچند روحانی در آخرین جلسه هیأت دولت در ۱۰مرداد گفته‌است: ما در گذشته با مردم صحبت داشتیم و چیزی خلاف واقعیت نگفتم، البته بخشی از واقعیت را هم به مردم نگفتم و از نظر من نمی‌شد آنها را بیان کنیم چون آنها را مفید نمی‌دانستم. ما یک هدف بلند وحدت ملی را دنبال می‌کردیم و می‌ترسیدم که این در گرائنها صدمه ببیند ولی ما می‌خواهیم در این گزارش به صورت مستند به بررسی این موضوع بپردازیم و سخنان روحانی را حقیقت سنجی کنیم. حافظه بعضا ضعیف تاریخی ما ایرانی‌ها کمک بزرگی به روحانی کرده، او با تکنیک برجسته سازی واولویت بندی مسائل تا وقتی که حرف‌هایش به عنوان رئیس جمهور قانونی کشور سکه دارد، مسائل را آن طور که دوست داشت اتفاق افتاده‌باش، چپش واز تریبون مهم و ملی هیأت دولت روایت کرد تا پروژه بزرگ تاریخ‌نگاری مطابق میل او پیش برود.

برای صحت سنجی نیازی نیست راه دوری برویم، همین اظهارنظرهای «روز اخیر روحانی در خصوص برجام و تحریم‌ها و تاکید بر این‌که این مجلس یازدهم بود که نگذاشت ما به توافق برسیم، نشان می‌دهد تاریخ سازی یک دغدغه بسیار جدی برای حسن روحانی است. البته کلیت این موضوع برای مکتوب کردن

وقایع و خاطرات شفاهی یک اقدام رو به جلو و کاملا حرفه‌ای است اما فکت‌های متعدد از قلب حقیقت و وارونه‌نمایی وقایع توسط دولت باعث بدبینی‌های بسیاری به این پروژه تاریخ‌نگاری شده‌است. برای شناسایی این خف‌ره‌های تاریخ‌نگاری خوب است یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های این روزها و خوانش خاص روحانی از آن را به عنوان یک فکت مهم مرور کنیم.

دولت روحانی که روزگاری می‌خواست با برجام همه تحریم‌ها را بردارد و به همین دلیل از بیش از ۱۰۰حق هسته‌ای انصراف داد اما حالا در مرحله‌ای کشور را به دولت سیزدهم تحویل می‌دهد که این تحریم‌ها نه تنها برداشته نشده بلکه از ۸۰۲تحریم حالا به بیش از ۱۵۰۰تحریم تبدیل شده‌است و روحانی برای سفید کردن وجهه خود،مانند فاتحین در حال تاریخ نگاری است.

روحانی طی دو هفته گذشته سه بار موضوع مصوبه مجلس را به

میان کشیده و مدعی شده اگر قانون مجلس نبود، الان توافق

انجام و همه تحریم‌ها هم لغو شده بود اما خوب است او به این

سؤال پاسخ دهد که اگر این حرف‌ها صرفا برای مستند سازی

نیست، گفته‌های او چه قربانی تا واقعیت دارد؟

مقصر جدید تحریم‌ها

روحانی هشت سال پیش وقتی تازه می‌خواست در سال ۹۲ برای اولین بار از مردم رای بگیرد، معتقد بود نمی‌توان همه ضعف‌ها و ناکارآمدی‌ها را پای تحریم نوشت اما بعد از نگارش برجام و توافق طرفین تا سال ۹۷ که ترامپ از برجام خارج شد، گرچه حسن روحانی او را یک موجود مزاحم دانست و از خروج او از برجام اظهار خوشحالی کرد اما در بحبوحه سال ۹۸ همه پلایای معیشتی و اقتصادی را به ترامپ گره زد و نشانی واشنگتن دی سی را برای لعنت فرستادن نسخه کرد اما درست وقتی ترامپ از صفحه آمریکا حذف شد، ورق تاریخ‌سازی روحانی هم برگشت و او یک مقصر جدید برای ناکامی خود در رفع تحریم پیدا کرد. تحریم‌هایی که قرار بود بالتره و یکباره حذف شود اما حالا چند لایه شده بود و در دوران پساترامپ مقصر جدید تحریم‌ها کسی نبود جز مجلس یازدهم.

وعده‌های محقق نشده و بر زمین مانده دولت، مهم‌ترین معیار مردم برای صداتادن سنجی مواضع رئیس‌جمهور است که به همه عرصه‌های دیگر هم قابل تعمیم است؛ به طور مثال در ماجرای وعده بازگشت عزت به پاسپورت ایرانی که جزو وعده‌های اصلی حسن روحانی در انتخابات سال ۱۳۹۲ بود، طوری برعکس اقدام شد که حالا پاسپورت ایرانی در گتبه‌های انتهایی جدول معتبرترین پاسپورت‌های جهان قرار گرفته‌است. یا در ماجرای غبای ایتالیایی رئیس‌جمهور که در یک روز بارانی هیأت دولت ناخواسته سوزه عکاسان شد، واکنش افکار عمومی بسیار پرتکانیه و دلخوارانه بود. در همان زمان کاربران توییتر یادآور شدند، رئیس‌جمهوری که دم از جنگ اقتصادی می‌زند چطور در سال جهش تولید، قبال ایتالیایی تن می‌کند و چرخ اقتصاد ایتالیا را به چرخش درمی‌آورد. این تفاوت حرف و عمل رئیس‌جمهور، فریمینگ و قاب‌بندی افکار عمومی را نسبت به دولت شکل می‌دهد.

اشاره روحانی درباره کارشکنی و مانع‌تراشی مجلس، به قانون اقدام راهبردی برای لغو تحریم‌ها بود که در آذر سال ۹۹ پس از ترور شهید فخری‌زاده در مجلس تصویب شد؛ درحالی که اگر همین مصوبه مجلس نبود در دوره بایدن، هیچ مذاکره‌ای شکل نمی‌گرفت و همین شش دور مذاکرات وین هم نبود، اما روحانی نمی‌خواست هیچ بندی از مذاکرات و احیانا موفقیتی در رفع تحریم به اسم نهادی غیر از دولت او نوشته شود.

البته این ادعاهای روحانی هم بی پاسخ نماند. وحید جلال‌زاده، رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس در واکنش به سخنان روحانی در خصوص مذاکرات هسته‌ای وین و ادعای این‌که قانون مصوب مجلس (قانون اقدام راهبردی برای لغو تحریم‌ها) مانع نتیجه‌بخشی مذاکرات شده گفت ظاهرا دست دولت خالی است و به همین علت سعی می‌کنند با این قبیل اظهارات هیجانی، افکار عمومی را سرگرم کنند. این سخنان آقای روحانی نشان می‌دهد برای گفتن این حرف‌ها با نزدیک‌ترین مشاوران خود و حتی با تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای هم مشورت نکرده‌است. درحالی که آقایان عراقچی و صالحی مکرر در جلسات کمیسیون امنیت ملی مجلس و کمیته تطبیق در شورای عالی امنیت ملی، بر نافع و مؤثر بودن قانون اقدام راهبردی برای لغو تحریم‌ها تاکید داشته‌اند و کمترین تحلیلگری پیدا می‌شود که این واقعیت را نداند.

روحانی در حالی که کمتر از ۱۰ روز به پایان دولتش مانده ادعا کرده اگر درست و پای ما را نمی‌بستند قطعا در پایان سال ۹۹ می‌توانستیم در روند مذاکرات تحریم را برداریم که حتی به واسطه مجادله اف‌ای‌تی‌اف پای مجمع تشخیص را هم به بساط ناکامی خود باز کرده؛ این‌گونه اظهارات کاملا بیانگر آن است که او تمایلی به پذیرش نقش خود در وضعیت شکست خورده امروز سیاست خارجی و رفع تحریم ندارد، پس این خلأ را باید در یک تاریخ‌نگاری حرفه‌ای برای آیندگان جبران کند.

تاریخ‌سازی با مذاکرات

اما داستان دیگر مربوط به قصه‌های آقای ظریف است؛ مرد تمام‌شده دولت روحانی که پس از جنجال فایل صوتی تقریبا دیگر خبر خاصی از انویودت‌این‌که همین چند روز پیش آخرین نامه خود را به دبیرکل سازمان ملل ارسال کرد؛ ظاهرا این نامه هم بخش مهمی از تاریخ‌سازی برای این دولت است، چراکه آخرین خبرها نشان می‌دهد نامه وزیر خارجه کشورمان توسط مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی به صورت کتابی ۲۳۶ صفحه‌ای در دسترس همگان قرار گرفته و ظریف عنوان «اسناد شش سال بدعه‌دی غرب در اجرای برجام» را هم برای این کتاب برگزیده‌است. ظریف در پیشگفتار این کتاب در تحلیل رفتار اروپایی‌ها در جواب ندادن به نامه‌هایش می‌نویسد: نتیجه نگران‌کننده دیگری که در طول تجربه طولانی‌ام در دیپلماسی به‌دست آورده‌ام، این است که قدرت‌های غربی ورود به تعامل برابر با کشورهای بادرآمد متوسط و نه حتی کشورهای در حال توسعه را کسر شان خود می‌دانند.

آن‌طور که تاریخ‌به یادمان می‌آورد، روحانی هم که روزی درکسوت رئیس‌تیم مذاکره‌کننده ایران در موضوع هسته‌ای در سال‌های ۸۲ تا ۸۴ مشغول بود در روزهای پایانی مسؤولیتش نامه‌ای تاریخی خطاب به محمد البرادعی نوشت و گفت متأسفانه، در مقابل اگر نگوییم هیچ، ایران ما به‌ازای بسیار اندکی دریافت کرد و با قول‌های انجام نشده و درخواست‌های بیشتر روبه‌رو شد. روحانی همچنین در کتاب خاطراتش راجع به مذاکرات هسته‌ای آن سال‌ها می‌نویسد: پیشنهادهای ارائه شده اروپایی‌ها به ایران به طور مضحکی کوتاه و نارسانست. این پیشنهاد به دستور استعماری کاپیتولاسیون شبیه و توهینی به تمام ملت ایران است.

اولین نکته‌ای که از این دورویکرد روحانی و ظریف به ذهن مخاطب متبادر می‌شود این است اگر آنها در همه این سال‌ها چنین شناختی از غرب و نوع تعامل بی کیفیت آنها با ایران داشتند، چرا مبنای دولت خود را بر مذاکره گذاشتند که حالا با یک اقتصاد در حال فروپاشی بخواهند با کتاب نویسی و خاطره‌نگاری سهم خود را ناچیز و اساسی‌گاه جلوه دهند؟ این سفیدنمایی و تاریخ‌نویسی قاتحانه توسط روحانی به زودی به انتشار دو کتاب امنیت ملی و سیاست خارجی و امنیت ملی و محیط‌زیست منجر خواهدشد و این دو کتاب که اکنون در مرحله چاپ است، پس از پایان دولت روحانی راهی بازار نشر می‌شود.ظریف، وزیر خارجه هم در حاشیه آخرین جلسه هیأت دولت دوازدهم از انتشار کتابش با موضوع مذاکرات خبر داده و آن‌طور که خودش گفته قرار است تا آخر هفته موسسه اطلاعات، مشروح مذاکرات را در شش جلد منتشر کند. البته او این را هم گفته در نامه‌ای که دو هفته قبل به دبیرکل



امین صبحی

دبیر سیاسی

حجت‌الاسلام والمسلمین رئیسی، رهبر انقلاب سخنرانی خواهند کرد. بر پایه این گزارش همچنین تاکید می‌شود مطابق اصل ۱۲۱ قانون اساسی مراسم تحلیف سیدابراهیم رئیسی ساعت ۱۷ روز پنجشنبه ۱۶ مرداد در سالگرد صدور فرمان مشروطیت در صحن علنی مجلس شورای اسلامی برگزار خواهد شد.

ماجرای یک مشابهت تاریخی

پروژه تاریخ‌شفاهی دولت تدبیر و امید و جزئیات این اقدام سیاسی - تاریخی روحانی، مشابهت عملکردی زیادی با دولت‌های آمریکایی و انگلیسی دارد و به دنبال استراتژی‌های محاسبه‌شده انحراف افکار است که این متد برگرفته از روابط عمومی سیاسی دولت‌های امریکا و انگلیس است که مهم‌ترین مشخصه آن بی اهمیت نشان دادن برخی مسائل و اغراق و بزرگنمایی در برخی دیگر است. اما دانستن این اطلاعات جالب است؛ سه کارشناس انگلیسی ارتباطات یعنی کمبل، پیترمندلسون و چارلی ولان نقشی اساسی در روابط عمومی سیاسی تونی بلر، نخست‌وزیر پیشین انگلیس داشتند. مشاور نام آشنای رسانه‌ای روحانی همان نقش آلیستر کمبل مشاور ارتباطی تونی بلر را بازی کرد که نتوانست خود را از استعفا دور کند و حتی در استعفا نیز مشابهت را حفظ نمود. استعفاي کمبل در دولت بلر نشان داد که عمل مردم‌فریبی و کارشناسی ارتباطات روابط عمومی‌ها نباید فاش شود؛ از این رو عمل کمبل در استعفا، آشکار ساخت وقتی وجهه سیاستمداران در خطر است، این روابط عمومی سیاسی است که باید قربانی شود تا از چهره‌ایی که خود ساخته محافظت کند لذا استعفاي مشاور نام آشنای ارتباطی روحانی نیز همین طور انجام شد با این تفاوت که مشاور ایرانی نتوانست فیلم را در جای مورد نظر قطع کند و کار ناگزیر تا پایان سناریوی انگلیسی کشیده‌شد.

البته ظریف قبل از روزه سکوت خود به‌خاطر انتشار فایل صوتی جنجالی در صفحه اینستاگرامش گفته‌بود در بیان نظر کارشناسی، خودسانسوری را خیانت می‌دانم. این فایل صوتی اما داستان خودش را داشت درحالی که قرار بود روزی روزگاری و در جایی دیگر منتشر شود اما هرچه بود خللی در اصل تلاش تیم اطلاعاتی - رسانه‌ای نام‌آشنای دولت تدبیر و امید ایجاد نکرد.

این پروژه تمام اعضای کابینه هشت‌سال گذشته از آخوندی تا زنگنه را در برگرفت تا آنها مواضع خود را آن‌طور که

می‌خواهند در تاریخ ماندگار کنند؛ پروژه‌ای که برحسب یافته‌های خبرنگار جام‌جم قرار است به نوعی با تقلید از

روش‌های مشابه بیل کلینتون رئیس‌جمهور پیشین آمریکا در کتاب زندگی من توسط حسن روحانی در چشم‌انداز ۱۴۰۴ رنگ‌وبوی تازه‌ای به خود بگیرد.

سازمان ملل متحد نوشتم تاریخچه این بدعه‌دی‌ها را از شهریور ۹۵ ثبت کردیم و این بدعه‌دی‌ها به صورت یک کتاب منتشر می‌شود. این نشان‌دهنده این‌است که تلاش خودمان را کردیم اما عوامل بیرون دولت و عوامل بیرون کشور مانع شدند بتوانیم به نتیجه‌ای که می‌خواهیم، برسیم. همین پیوست توضیحات ظریف به کتابش نشان می‌دهد در این کتاب قرار است با چه خط‌مشی خاصی روبه‌رو شویم؛ احتمالا طبق سیر این تاریخ‌نگاری همه در نتیجه ندادن مذاکرات مقصر بوده‌اند، به‌جز قهرمان برجام.

یاد موافق در کشتی به گل نشسته اقتصاد

کتاب خاطراتی که جدا از داده‌سازی‌های غلط تاریخی آن، برای توجیه چرایی اعتماد بی نتیجه به غرب و تاثیرگذاری حداکثری بر روند تحولات سیاسی پیش رو در نظر گرفته‌شده و بیش از آن‌که در ایران کاربرد داشته باشد می‌خواهد از اقبال خوبی در کشورهای غربی برخوردار شود، گما این‌که حسن روحانی در تیرماه ۸۴ به عنوان قائم‌مقام مرکز تحقیقات استراتژیک در مقدمه کتاب محمود سریع‌القلم با عنوان «ایران و جهانی شدن»، به صراحت توسعه و هویت‌ملی را در مقابل هم قرار می‌دهد و از لزوم تعادل میان هویت و توسعه در فرآیند جهانی‌شدن صحبت می‌کند.

استراتژی این دولت تا امروز مظلوم‌نمایی برای ایجاد بستر بازگشت به قدرت و عدم پاسخگویی در خصوص عملکرد خود بوده‌است؛ شیوه‌ای که در بین وزرای روحانی مسبوق به سابقه است، مثلا همین ماجرای تمسخر مسکن مهر و نقش آقای آخوندی در برچیده شدن سیستم مسکن‌مهر، طوری که حالا نه طبقه کم‌برخوردار مسکین دارد و نه وزیری هست که به‌خاطر این اهمال کاری بازخواست شود. از این مثال‌ها فراوان است و بدون شک در هشت‌سال دوره روحانی در زمینه اقتصادی ما دچار یک دهه عقبگرد شده‌ایم؛ فقط در شاخص قیمت مسکن طبق داده‌های آماری بانک مرکزی و وزارت راه‌وشهرسازی در دو دولت روحانی، در شهر تهران قیمت مسکن از متری سه میلیون و ۸۰۰هزار تومان سال ۹۲ به ۲۸ میلیون و ۳۸۹هزار تومان در سال ۹۹ رسید. از این رو دولت یازدهم و دوازدهم در بخش مسکن بدترین کارنامه پس از انقلاب را دارد. عملکردی که عمدتا در دوره وزارت عباس آخوندی رقم خورد. از سوی دیگر حجم نقدینگی تا پیش از آغاز به کار دولت روحانی ۵۸۷ هزار و ۲۹۶هزار میلیارد تومان بود که در پایان سال ۹۹ به سه میلیون و ۴۷۵هزار میلیارد تومان رسیده که افزایش ۵/۹ برابری را نشان می‌دهد. همچنین تورم در سال ۹۲ به میزان ۳۲/۸ و در سال ۹۹ به رقم ۳۶/۴ رسید و براساس گزارش مرکز آمار در فروردین ۱۴۰۰ تورم نقطه به نقطه ۵۰درصد و در اردیبهشت ۴۷درصد شد. داستان ارز هم که در این دولت مثنوی هفتاد من کاغذ است، رشد ۷۰۰درصدی ارز از ۲۰۰۰تومان در سال ۹۲ به ۲۴هزار تومان از معجزات شیخ دولت است؛ رشد ۱۱۱درصدی مواد خوراکی هم از دیگر یادگارهای دو دولت روحانی است که ظاهرا قرار است در کتاب او ارقام و آمار دیگری را بخوانیم و ببینیم.

انکار کن و روایت خودت را بساز

دوباره به نقطه آغاز گزارش برمی‌گردیم؛ همه ما این گزاره‌ها را در هفته پایانی عمر دولت زیاد شنیدم که ما داشتیم به نتیجه می‌رسیدیم اما نگذاشتند. این مظلوم‌نمایی و بی‌تقصیر جلوه‌دادن خود یک مسیر تکراری است که جامعه دیگر با هیچ پروپاگاندایی برایش باورپذیر نیست که اعتماد به غرب نتیجه داشته و آنها نخواسته‌اند، قطعا افکار عمومی این چنین استدلال می‌کند که دیگر کدام راه بود که دولت حسن روحانی در زمینه مذاکرات و توسعه روابط مذاکراتی با غرب خواست برود اما نظام به‌اوجازه‌نداد؟ دیگر کدام آزمون و خطایی بود که تجربه نکرده‌باشیم و کدام پایتخت کشور اروپایی باقی ماند که تیم مذاکره روحانی به آنجا نرفته‌باشد؟ پس انکار کن و روایت خودت را بساز
مهم‌ترین دستورالعمل دولتی‌ها در این جنگ رسانه‌ای است که می‌خواهند برگه‌های زرین آن ورق‌های سیاه تصمیمات‌شان را بپوشانند.